دعا و مناجات يكى از بهترين وسيله هاى ارتباط معنوى با خداوند و كسب صفاى باطن و تهذيب نفس است.اگر دعا كننده بداند چه كسى را مى خواند و در برابر چه بزرگى به راز و نياز مشغول است و چه مفاهيم بلندى در دعاهاى معروف آمده است، چنان سرمست از باده مناجات مى شود كه هيچ لذّتى را در عالم با آن برابر نمى يابد.[[1]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn1" \o ")بنابراين ما بايد به دعا اهميّت دهيم، و براى حلّ مشكلات و معضلات خود و ديگران دعا كنيم. مخصوصاً در شبها و روزهايى كه دعا ارزش ويژه اى دارد و تأكيد بيشترى نسبت به آن شده، مانند روزها و شبهاى ماه مبارك رمضان .[[2]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn2" \o ")

**فضیلت دعاي ابوحمزه ثمالي**

يكى از مزاياى مهمّ مكتب اهل بيت عليهم السلام دعاهاى بسيار عالى، روح پرور، پرمحتوا و آموزنده اى است كه از آن امامان بزرگوار به يادگار مانده، بعضى از آنها شبيه اعجاز است؛ دعاهايى همچون دعاى ، ابوحمزه  ثمالی و مانند اين دعاها را در هيچ جا و نزد هيچ گروهى نمى توان يافت.[[3]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn3" \o ")

بی شک مناجات ها و دعاهايى كه از جانب معصومين عليهم السلام رسيده است، چون از بينش عميق خداشناسانه اى برخوردار است و از انسانهاى كامل و راسخان در علم و دانش صادر شده است، از هر نظر قابل اعتماد است و در آن هيچ يك از عوارض جارى در ميان اوراد نشأت گرفته از افكار بشرى وجود ندارد.آنان چون خدا را به خوبى شناخته اند و اوصاف او را به خوبى مى دانند، آنچه بر زبانشان در دعا و مناجات جارى شده است، پيراسته از خرافات و تعبيرات ناموزون است.[[4]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn4" \o ")

دعاهايى كه از طريق خاندان عصمت عليهم السلام رسيده است به قدرى از نظر محتوا و مضمون، عالى و بلند است كه خود دليل بر صحّت سند آنهاست و انسان به وضوح درمى يابد كه چنين كلمات و ذكرهايى، جز از وجود مقدّس آنان نمى تواند صادر شود و ديگران را ياراى اداى اين مضامين بلند نيست.[[5]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn5" \o ")

در این بین دعاى ابوحمزه ثمالى كه در سحرگاهان ماه رمضان خوانده مى شود، از مضامين و محتواى بسيار بلندى برخوردار است و اگر كسى اندكى آمادگى روحى داشته باشد و با توجّه، اين دعا را بخواند، به يقين در عمق وجودش نورانيّت خاصّى وارد مى شود  و در دل و جانش انقلابى ايجاد مى كند.[[6]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn6" \o ")

**راه و رسم بندگی در دعای ابوحمزه ثمالی**

دعا نوعى عبادت و خضوع و بندگى  است و انسان با دعا توجّه تازه اى به ذات خداوند پيدا مى كند و چنانكه همه عبادات اثر تربيتى دارد دعا هم داراى چنين اثرى خواهد بود.[[7]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn7" \o ") لذا بر همگان فرض است تا با هر زبان و هر كلمه اى بتوان بندگى  را رساند**.****[[8]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn8" \o ")**

حال دعاى ابوحمزه ثمالى علاوه بر آن كه يك دوره درس خداشناسى را در بر دارد، راه و رسم بندگى و طريق انابه و توبه و بازگشت به پروردگار را به ما مى آموزد.[[9]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn9" \o ")

**علت نامگذاری دعای ابوحمزه ثمالی**

سبب نامگذارى اين دعا به« ابوحمزه ثمالى» به خاطر آن است كه راوى اين دعا از امام زين العابدين عليه السلام، ابوحمزه ثمالى است.[[10]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn10" \o ")

ابوحمزه ثمالى كه نامش« ثابت بن دينار» است، از ياران مورد اعتماد امامان بزرگوار عليهم السلام بوده است، بنا بر نقل عالم معروف علم رجال« نجاشى»، وى به محضر چهار تن از ائمّه، از امام سجّاد تا امام كاظم عليهم السلام رسيده و از آنان روايت كرده است؛« ابوحمزه ثمالى» از بهترين راويان شيعه و مورد اعتماد كامل علماى اماميّه است. امام صادق عليه السلام درباره وى فرمود: ابوحمزه، در عصر خويش مانند سلمان است.[[11]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn11" \o ")،[[12]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn12" \o ")

ابوحمزه ثمالى مى گويد: امام زين العابدين عليه السلام در طول شب هاى ماه رمضان بيشتر شب را به نماز مى ايستاد و چون هنگام سحر فرا مى رسيد، اين دعا را مى خواند: « الهى  لا تُؤَدِّبْنى  بِعُقُوبَتِكَ، وَلا تَمْكُرْ بى  فى  حيلَتِكَ، مِنْ ايْنَ لِىَ الْخَيْرُ يا رَبِّ، وَلا يُوجَدُ الَّا مِنْ عِنْدِكَ، وَمِنْ ايْنَ لِىَ النَّجاةُ، وَلا تُسْتَطاعُ الَّا بِكَ...؛اى معبود من، مرا با مجازاتت ادب مكن، و مرا به تدبير خويش دچار نكن، از كجا خيرى بيابم، اى پروردگار من، در حالى كه جز در پيشگاه تو يافت نشود، و از كجا راه نجاتى يابم، در حالى كه جز با كمك تو ميسّر نشود...»[[13]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn13" \o ")

**سند دعای ابوحمزه ثمالی**

دعای ابوحمزه ثمالی را شيخ طوسی[[14]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn14" \o ")، سيّد بن طاووس[[15]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn15" \o ")و مرحوم علّامه مجلسى[[16]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn16" \o ") نقل كرده اند.[[17]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn17" \o ") ما اين دعا را مطابق نسخه مصباح[[18]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn18" \o ") نقل مى كنيم و اگر در نسخه هاى متداول، بر اساس ديگر كتب جملاتى آمده كه در مصباح نيست، در پاورقى متذكّر مى شويم.[[19]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn19" \o ")

**إِلَهِي لاَ تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ**

در فراز آغازین دعای ابوحمزه ثمالی آمده است:«الهى  لا تُؤَدِّبْنى  بِعُقُوبَتِكَ؛ اى معبود من، مرا با مجازاتت ادب مكن »[[20]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn20" \o ")

«أدَب» (بر وزن طلب) به معناى دعوت كردن ديگرى به نيكى ها و ترك زشتى هاست و تأديب نيز همين معنا را مى رساند.اين كار وظيفه تمام انبيا و اوليا و معلمان و پيشوايان و پدران و مادران است كه پيروان و شاگردان و فرزندان خود را به نيكى ها دعوت كنند و از بدى بازدارند. بلكه قبل از همه، ادب كردن كار خداست كه گاه از طريق فرستادن پيامبران و نازل كردن كتب آسمانى، انسان ها را ادب مى كند و گاه از طريق آزمون هاى تكوينى و مجازات هاى مادى و معنوى.[[21]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn21" \o ")

«عقوبت» از مادّه  «عَقِب» نیز به معناى «كيفر كار خلاف» آمده است.[[22]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn22" \o ")،[[23]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn23" \o ")

حال فراز آغازین دعای ابوحمزه ثمالی( الهى  لا تُؤَدِّبْنى  بِعُقُوبَتِكَ) ناظر بر حلیم بودن خداوند است که اشاره به مساله آمرزش گناهان، و عدم تعجيل در عقوبت  بندگان است.[[24]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn24" \o ")

لذا خداوند در مورد عدم تعجيل عقوبت  مى فرمايد: «وَ رَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤاخِذُهُمْ بِما كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذابَ؛ و پروردگارت آمرزنده و داراى رحمت است؛ اگر مى خواست آنان را به سبب اعمالشان مجازات كند عذاب را هر چه زودتر براى آنها مى فرستاد».[[25]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn25" \o ")،[[26]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn26" \o ")

البته در این میان تنها راه نجات از خصومت پروردگار و عقوبت  او اين است كه دست از ظلم بكشیم و از گذشته توبه كنیم و حقوق از دست رفته را به صاحبانش باز گردانیم و جبران نمايیم.[[27]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn27" \o ")

**مگر خدا هم خدعه می‌کند؟!**

«وَلا تَمْكُرْ بى  فى  حيلَتِكَ؛ و مرا به تدبير خويش دچار نكن»[[28]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn28" \o ")

«مَكْر» در لغت عرب با آنچه در فارسى امروز از آن مى فهميم تفاوت بسيار دارد «در فارسى امروز مكر» به نقشه هاى شيطانى و زيان بخش گفته مى شود، در حالى كه در لغت عرب هر نوع چاره انديشى را «مكر» مى گويند كه گاهى خوب و گاهى زيان آور است.[[29]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn29" \o ")

«مكر» در اصل، به معناى تابيدن و پيچيدن و چاره انديشيدن و منصرف ساختن ديگرى است و به همين دليل، به هر كار انحرافى كه توأم با اخفاء و پنهانكارى باشد نيز گفته شده است و اختصاص به نقشه هاى زيان بخش كه در فارسى امروز در آن استعمال مى شود ندارد، بنابراين، هم در چاره انديشى هاى بد به كار مى رود و هم چاره انديشى هاى خوب، و در آنجا كه به خدا نسبت داده مى شود، معناى دوم آن مراد است.[[30]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn30" \o ")بنابراين، هنگامى كه اين واژه در مورد خداوند به كار مى رود به معناى خنثى كردن توطئه هاى زيانبار است.[[31]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn31" \o ")،[[32]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn32" \o ")

لیکن طرح فراز«الهى  لا تُؤَدِّبْنى  بِعُقُوبَتِكَ» نشان می‌دهد مکری که منظور شده، از مکرهایی است که به واسطه خدعه و اعمال بد انسان حاصل می‌شود لذا تداوم این دعا با «وَلا تَمْكُرْ بى  فى  حيلَتِكَ» اشاره به همان كيفرها و بلاهاى ناگهانى و بيچاره كننده ای است که در قالب «مكر الهى» خداوند، مجرمان، با نقشه هاى قاطع و شكست ناپذير خداوند؛ به جزای مکر خود و اعمال بدشان می رسند.[[33]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn33" \o ")

بديهى است نقشه هاى خدا بر نقشه هاى همه پيشى مى گيرد، چرا كه آنها معلوماتى اندك و محدود دارند و علم خداوند بى پايان است، آنها براى پياده كردن طرحهاى خود قدرت ناچيزى دارند در حالى كه قدرت او بى پايان است.[[34]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn34" \o ")

البته باید دانست تأخير كيفر الهى  در برابر خدعه انسان ، دليل بر پاكى و درستى انسان، و يا ضعيف و ناتوانى پروردگار، نیست، و ناز و نعمتهايى را كه آنان در آن  غوطه ورند، نشانه تقرب به خدا نیست، چه بسا اين پيروزيها و نعمتهايى كه به انسانها مى رسد مقدمه مجازات استدراجى پروردگار باشد، خدا آنها را غرق نعمت مى كند و به آنها مهلت مى دهد و بالا و بالاتر مى برد، اما سر انجام چنان بر زمين مى كوبد كه اثرى از آنها باقى نماند و تمام هستى و تاريخشان را درهم مى پيچد.[[35]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn35" \o ")چرا که«وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْماكِرِينَ؛آنها نقشه مى كشند و چاره مى انديشند، و خداوند هم چاره جويى و تدبير مى كند و خداوند بهترين  چاره  جويان و مدبّران است»[[36]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn36" \o ")

به عنوان نمونه کسانی که حد اكثر نيروى فكرى و جسمانى خويش را براى نابود كردن پيامبر اسلام صلّى اللّه عليه و آله به كار بردند، لیکن  خداوند به وسيله چند تار عنكبوت مسير تاريخ بشريت را تغيير داد! اين منحصر به جريان هجرت نيست بلكه تاريخ انبياء نشان مى دهد كه همواره خداوند براى درهم كوبيدن گردنكشان از ساده ترين وسائل استفاده مى كرده [[37]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn37" \o ")گاهى از وزش باد، و زمانى از انبوه پشه ها، و گاهى از پرنده كوچك ابابيل، و مانند اينها، تا ضعف و ناتوانى بشر را در برابر قدرت بى پايانش آشكار سازد، و او را از فكر طغيان و سركشى باز دارد.[[38]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn38" \o ")

**سخن آخر:( توكل به خدا راه نجات انسان)**

لذا از هم اكنون باید به فكر چاره بود زیرا وقتی درهاى نجات بر روى ما بسته شود راه  چاره  اى براى ما باقى نخواهد ماند.[[39]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn39" \o ") از این رو امام سجاد(علیه السلام) در ادامه دعا می فرماید:«مِنْ ايْنَ لِىَ الْخَيْرُ يا رَبِّ، وَلا يُوجَدُ الَّا مِنْ عِنْدِكَ، وَمِنْ ايْنَ لِىَ النَّجاةُ، وَلا تُسْتَطاعُ الَّا بِكَ ؛ از كجا خيرى بيابم، اى  پروردگار من، در حالى كه جز در پيشگاه تو يافت نشود، و از كجا راه نجاتى يابم، در حالى كه جز با كمك تو ميسّر نشود»[[40]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn40" \o ")

تأمل در این فرازها نشان می دهد كه همه چيز از ناحيه خداست[[41]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn41" \o ") و حتى كوچك ترين خير و شرّى بدون اراده  و قدرت او ممكن نيست.[[42]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn42" \o ")،[[43]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn43" \o ")لیکن اين تعبيرات امام سجاد(علیه السلام) اشاره به توحيد افعالى خدا است، يعنى همه چيز منتهى به ذات پاك او مى شود، منتها خداوند به انسان اختيار و آزادى اراده  داده و براى آزمايش او اسباب خير و شرّ و خوبى و بدى را در اختيارش نهاده، و اين خود انسان هستند كه سرانجام تصميم نهائى را مى گيرند از كدامين راه بروند و با كدامين برنامه خود را تطبيق دهند مسلّماً آنها كه راه ايمان و عمل صالح را بر مى گزينند، خداوند انواع خيرات را بر دست آنها صادر مى كند.و از اينجا تفسير آياتى كه مى فرمايد:« فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَهُ ؛ انسان هر كار خوب و بدى را كند روز قيامت در برابر خود حاضر مى بيند كه انسان در برابر نعمتهاى پروردگارش بسيار ناسپاس و بخيل است؛ و او خود (نيز) بر اين گواه است».[[44]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn44" \o ")روشن می گردد.[[45]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn45" \o ")

لذا تنها بايد بر او توكّل كرد و به مضمون آيه شريفه  «وَ ان يَمْسَسْكَ اللّهُ بِضُرٍّ فَلا كَاشِفَ لَهُ الّا هُوَ وَ ان يُرِدْكَ بِخَيَرٍ فَلا رآدَّ لِفَضلِهِ يُصيبُ بِهِ مَن يَشآءُ مِن عِبَادِهِ وَ هُوَ الغَفُورُ الرَّحيمُ [[46]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn46" \o ")؛ هرگاه خداوند (براى آزمايش يا كيفر گناه،) زيانى به تو رساند، هيچ كس جز او، آن را برطرف نمى سازد و اگر اراده خيرى براى تو كند، هيج كس نمى تواند مانع فضل او شود، به هر كس از بندگانش بخواهد (و شايسته بداند، هر خيرى  را) مى رساند و او آمرزنده مهربان است».[[47]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn47" \o ") ایمان آورد که در صورت تحقق این مهم، انسان  به حقيقت  «توكّل» نزديك می شود و خداوند او را در زمره متوكلان حقيقى قرار مى دهد.[[48]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn48" \o ")

بر این اساس نتيجه روشن توكّل  بر خدا ؛ نجات  و پيروزى است همانگونه که خداوند مى فرمايد: «وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ انَّ اللَّهَ بَالِغُ امْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَىْ ءٍ قَدْراً؛[[49]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn49" \o ")هر كس بر خدا توكّل كند خدا كار او را به سامان مى برد، خداوند فرمان خود را به انجام مى رساند، و براى هر چيز اندازه اى قرار داده است»در واقع خداوند وعده قطعى به همه متوكّلان داده كه مشكلات آنها را حل كند.[[50]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn50" \o ")

البته باید دانست مفهوم صحيح توكل در فرهنگ اسلام اين است كه انسان تا آنجا كه در توان دارد، كوشش و محكم كارى كند و آنجا كه از توان او بيرون است بر خداوند و لطف او تكيه كند و هرگز يأس و نوميدى به خود راه ندهد.[[51]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftn51" \o ")

پژوهش؛ تهیه و تنظیم؛ معاونت تحریریه خبر پایگاه اطلاع رسانی

دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی makarem.ir

[[1]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref1" \o ") كليات مفاتيح نوين ؛ ص61.

[[2]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref2" \o ") سوگندهاى پر بار قرآن ؛ ص493.

[[3]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref3" \o ") كليات مفاتيح نوين ؛ ص17.

[[4]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref4" \o ") همان؛ ص 62.

[[5]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref5" \o ") همان.

[[6]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref6" \o ") همان ؛ ص716.

[[7]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref7" \o ") انوار هدايت، مجموعه مباحث اخلاقى ؛ ص441.

[[8]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref8" \o ") كليات مفاتيح نوين ؛ ص61.

[[9]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref9" \o ") همان ؛ ص716.

[[10]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref10" \o ") همان.

[[11]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref11" \o ")  معجم رجال الحديث؛ ج 4؛ ص292.

[[12]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref12" \o ") كليات مفاتيح نوين ؛ ص716.

[[13]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref13" \o ") همان؛ ص 717.

[[14]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref14" \o ") مصباح المتهجّد؛ ص 582.

[[15]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref15" \o ") اقبال؛ ص 67.

[[16]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref16" \o ") بحارالانوار؛ ج 95؛ ص 82.

[[17]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref17" \o ") ر.ک:  الذریعه؛ ج ۱۳؛ ص۲۴۶.

[[18]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref18" \o ") مصباح المتهجّد شیح طوسی.

[[19]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref19" \o ") كليات مفاتيح نوين ؛ ص716.

[[20]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref20" \o ") همان.

[[21]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref21" \o ") پيام امام امير المومنين عليه السلام ؛ ج 15 ؛ ص336.

[[22]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref22" \o ") سورۀ ممتحنه؛ آيه 11،( تفسیر نمونه؛ج 24؛ ص 53).

[[23]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref23" \o ") لغات در تفسير نمونه ؛ ص387.

[[24]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref24" \o ") تفسير نمونه ؛ ج 24 ؛ ص212.

[[25]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref25" \o ") سورۀكهف؛ آيه 58.

[[26]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref26" \o ") پيام امام امير المومنين عليه السلام ؛ ج 9 ؛ ص587.

[[27]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref27" \o ") همان ؛ ج 10 ؛ ص396.

[[28]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref28" \o ") كليات مفاتيح نوين ؛ ص716.

[[29]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref29" \o ") لغات در تفسير نمونه ؛ ص548.

[[30]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref30" \o ") همان.

[[31]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref31" \o ") سورۀ آل عمران؛ آيه 54(تفسیر نمونه؛ ج 2؛ ص 659)، سورۀ انعام؛آيه 123،( تفسیر نمونه؛ ج 5؛ ص 529)، سورۀ يونس؛ آيه 21،( تفسیر نمونه؛ج 8؛ 321)، سورۀ ابراهيم؛ آيه 46،( تفسیر نمونه؛ ج 10؛ ص 436)، سورۀ نمل؛ آيه 50،(تفسیر نمونه؛ ج 15؛ ص 526)، سورۀ فاطر؛آيه 10،( تفسیر نمونه؛ج 18؛ ص 215).

[[32]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref32" \o ") لغات در تفسير نمونه ؛ ص548.

[[33]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref33" \o ") برگزيده تفسير نمونه ؛ ج 2 ؛ ص73.

[[34]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref34" \o ") تفسير نمونه ؛ ج 2 ؛ ص564.

[[35]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref35" \o ") برگزيده تفسير نمونه ؛ ج 2 ؛ ص116.

[[36]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref36" \o ") همان ؛ ص148.

[[37]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref37" \o ") همان.

[[38]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref38" \o ") همان؛ ص 149.

[[39]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref39" \o ") پيام امام امير المومنين عليه السلام ؛ ج 11 ؛ ص288.

[[40]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref40" \o ") كليات مفاتيح نوين؛ ص717.

[[41]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref41" \o ") اخلاق در قرآن ؛ ج 2 ؛ ص275.

[[42]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref42" \o ") سورۀ انعام؛ آيه 17،(تفسیر نمونه؛ ج 5؛ ص 223).

[[43]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref43" \o ") لغات در تفسير نمونه ؛ ص661.

[[44]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref44" \o ")  سوره زلزال؛ آيات 6- 7.

[[45]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref45" \o ") پيام قرآن ؛ ج 4 ؛ ص572.

[[46]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref46" \o ") سورۀ يونس؛ 107.

[[47]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref47" \o ") اخلاق در قرآن ؛ ج 2 ؛ ص275.

[[48]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref48" \o ") همان.

[[49]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref49" \o ") سورۀ طلاق؛ آیۀ 3.

[[50]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref50" \o ") اخلاق در قرآن، ج 2، ص 261.

[[51]](https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=4&mid=410144" \l "_ftnref51" \o ") دائرة المعارف فقه مقارن ؛ ج 2 ؛ ص177.